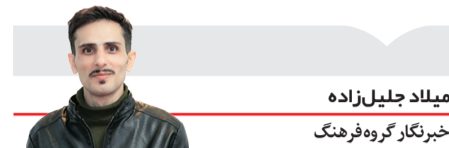


به بهانه احتمال اکران «اوپنهایمر» نولان اثر فیلم خارجی بر بازار ایران را بررسی کردیم

# فیلم خارجی سینما را نه کور می کند نه شفا می دهد



میلاد جلیلزاده  
خبرنگار گروه فرهنگ

اکران فیلم خارجی در ایران دوران های متعددی را از سر گذرانده و به مقطعی رسیده که در نوع خودش بین تمام کشورهای جهان منحصر به فردی مانده است. ما از اولین کشورهای پدید آورنده سینما و تئاتر هستیم اما این نه تنها به معنای سینما دار شدن و فیلم ساز شدن ایرانی ها نبود، بلکه نمی توانست به معنای سینما رفتن ایرانی ها و تماشا می فیلم هم باشد. طول کشید تا ایرانی ها با این پدیده کنار بیایند و پروسه طولانی دیگری طی شد تا فیلم سازی بومی کنار بیایند. تا چند دهه صرفا تلاش های تک ضربی در این زمینه صورت گرفت که موفقیتشان در حد ایجاد سوسوهای فراگیر نبود. در دهه ۲۰ که ایران به دست قوای متفقین اشغال شده بود، آنها در سالن های تئاتر ایران فیلم های خودشان را پخش می کردند. حتی اخبار جنگ در سالن های سینما نمایش داده می شد. از آن رو که پایه های تخت سلطنت پهلوی سست شده بود، رژیم ایران هیچ کنترلی روی این آثار نداشت. قبلا در دوره رضاحان نمایش هر فیلمی که در آن به هر خاندان سلطنتی در هر جای دنیا توهمین می شد، ممنوع بود. نمایش شورش یا اعتراض مردم علیه هر حکومتی ممنوع بود. موارد دیگری از این دست وجود داشت اما این ممنوعیت ها دیگر به هم ریخت. این اولین تجربه رویا رویی بی واسطه مردم ایران با فیلم های خارجی بود. تجربه ای که اگرچه در آن صد سانسور رضاخانی شکست، اما باز هم چندان چیز مطلوبی به نظر نرسید. با کیفیتی که شرح مبسوط آن را باید در کتاب های تاریخ سینما خواند، از اواخر دهه ۲۰ اولین تلاش ها برای ساختن فیلم ایرانی و رساندن آن به صحنه تجاری شروع شد. در دهه ۳۰ این تلاش ها

مقداری بیشتر به ثمر رسید. در دهه ۴۰ با فاصله چند سال دو فیلم توانستند گیشه های ایران را منفجر کنند که هر کدام علامت اجتماعی متفاوتی به ناظران با دقت می فرستادند. گنج قارون در سال ۴۴ نشان داد که رویاهای شانس باورانه پهلوی توسط طبقه متوسطی که تازه شهری شده بود، باور شده و قیصر در سال ۴۸ معلوم کرد که این باور چقدر زود به یأس تبدیل شده است. موازی با این فیلم ها آثار متعدد دیگری که در سینمای ایران تولید و منتشر می شد و بخش عمده آن ذیل تعریف فیلم فارسی قرار می گرفت، فیلم های خارجی هم در ایران نمایش داده می شدند. می دانیم که در همان دوره پیش از انقلاب و در دهه ۵۰ شمسی، اوضاع به سمتی پیش رفت که گیشه های سینمای ایران مطلقا در تیول فیلم های خارجی و به طور خاص آثار هالیوودی افتاد. تقریبا نمایش تمام آثار بلوک شرق، از جمله اتحاد جماهیر شوروی در ایران ممنوع بود. باید قبل از رسیدن به مقطع پس از انقلاب، به نکته ای اشاره کنیم که هدف اصلی از مرور برق آسا و سریع این بخش از تاریخ سینمای ایران بود. عموما به عنوان نمونه ای موفق از نمایش فیلم خارجی در یک کشور، جمهوری خلق چین مورد اشاره قرار می گیرد. چینی ها خصوصا از سال ۲۰۰۰ میلادی به این سو که تصمیم به ساختن طبقه متوسط گرفتند، با ارائه مجوز نمایش فیلم خارجی در کشورشان که تحت ضوابط خاصی قرار داشت، باعث شدند پای مردم به سالن ها باز شود و حتی ساخت و تجهیز سالن ها صرفه اقتصادی پیدا کند. سپس در روندی صبورانه و پرتا به تدریج شده، این سالن ها به راه فتح آثار خودشان درآوردند. در ایران اما ماجرا برعکس بود. این ابتدا فیلم های ایرانی بودند که پای مردم را به سالن ها باز کردند و وقتی سینما رفتن تبدیل به یکی از تفریحات طبقه متوسط شد، خارجی ها آمدند و سالن ها را فتح کردند. روند رو به وضعیت فیلم فارسی ها یک سو و سانسورهای حکومت وقت که بر سینمای اجتماعی و به طور خاص موج نورا خصوصا از سال ۵۲ محدود کرد، در ضعیف

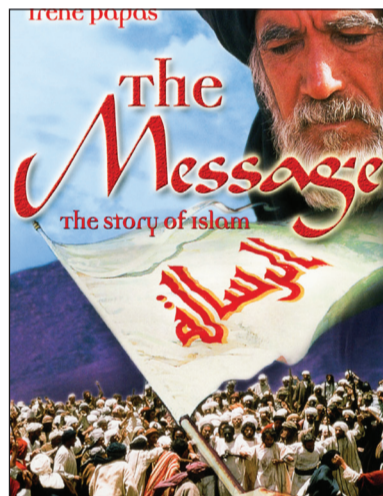
شدن کفه فیلم های ایرانی بی تاثیر نبود و اجازه نمایش فیلم های آمریکایی را هم نمی شد با سیاست های کلی رژیم وقت بی ارتباط دانست اما به هر حال فراموش نکنیم که ایرانی ها هیچ وقت، به هیچ فیلم و سریالی به اندازه آثار بومی خودشان واکنش توده ای همدلانه نشان نداده اند. سریال های ایرانی که دوشنبه شب ها خیابان های سراسر کشور را تعطیل می کرد، اساسا باعث شد جمعی تلویزیون وارد خیلی از منازل شود و در کنار سریال های خارجی هم دیده شوند و فیلم فارسی سبب شد تا مردم اهل سینما رفتن بشوند که پس از آن فیلم های هالیوودی این مخاطبان را در سید خودشان بریزند. البته در همان دهه ۵۰ هم تعداد مخاطبان فیلم های خارجی در ایران به قدری نبود که بتواند سالن داری را بدون آثار ایرانی، به صرفه کند. اینکه در آستانه انقلاب بخش عمده ای از سالن داران عملا ورشکسته شده بودند، به خوبی نشان می دهد که استقبال از فیلم خارجی در جامعه ایران حتی در بهترین حالت هم از یک سطح محدودی بالاتر نمی رود.

## دوران پس از انقلاب

پس از پیروزی انقلاب تا مدتی اوضاع نمایش فیلم در ایران ویژه و استثنایی بود. موجی از فیلم های بلوک شرق که در رژیم پیشین نمایش آنها ممنوع بود، روانه پرده ها شدند. فیلم هایی از نقاط مختلف دنیا خصوصا کشورهای جهان سوم، توانستند به نمایش در بیایند و مخاطبان بسیاری جذب کنند. حتی از سینمای آمریکا هم «الرساله»، ساخته مصطفی عقاد که در زمان شاه نمایش آن ممنوع بود، روانه پرده ها شد و مخاطبان فراوانی پیدا کرد. موارد ویژه ای مثل یک ملودرام از کره شمالی که جزء آثار پر فروش یکی از آن سال ها شد، تا حدودی می توانند نشان بدهند که چه وضع استثنایی و عجیبی در آن باز زمانی حاکم بوده است. این بخش از تاریخ سینما تاریخچه مفصل و پر جزئیاتی دارد که همه آن مستقیما

به بحث اکران فیلم خارجی در ایران مربوط نمی شود؛ اما به هر حال از سال ۶۴ به بعد، پس از حدود ۱۰ سال دوباره رونق اقتصادی به سینمای ایران برگشت. انحصار نمایش فیلم خارجی هم در اختیار بنیاد سینمای فارسی قرار گرفت که خودش عمده ترین تولید کننده فیلم در ایران بود. فخرالدین انوار و سید محمد بهشتی به شرطی حاضر شدند معاونت سینمایی و ریاست بنیاد فارسی را در وزارت ارشاد محمد خاتمی بپذیرند که ویدئو هم در ایران ممنوع شود تا سینمای داخل بتواند جان بگیرد. بالاخره این هم دورانی بود که با خوب و بد هایش گذشت ولی در همان دهه ۶۰ هم تعداد زیادی فیلم خارجی در ایران به نمایش درآمدند. این فیلم ها به لحاظ تعدد عنوان، دوباره آثار ایرانی بودند اما به لحاظ تعداد مخاطبان، سهمشان نصف فیلم های ایرانی بود. از دهه های صحبت می کنیم که هر ایرانی سالانه دوبار به سینما می رفت؛ یعنی ۲۰ بار در طول ۱۰ سال و حالا این رقم به سه بار در ۱۰ سال رسیده است. رونق نمایش فیلم خارجی در ایران مرتب کمتر شد و موانعی هم به لحاظ ساختاری سر راه آن قرار داشت اما به هر حال در دهه ۹۰ بارها این وسوسه سراغ ذهن بعضی از تهیه کنندگان و پخش کنندگان آمد که چنین کاری را انجام بدهند. این سودا هر بار سودا گران را به بن بست شکست رساند و حتی چیز امتحان نشده ای مثل نمایش فیلم هندی در سینمای ایران که به نظر می رسید تصمیمی متفاوت باشد، باز هم با شکست مطلق مواجه شد. این همان موقعیت منحصر به فردی می ماند سینما در ایران است که با هیچ موردی در هیچ جای دیگری از دنیا شباهت ندارد. در هیچ کشوری از جهان مردم تا این اندازه نسبت به نمایش فیلم های خارجی سرد برخورد نمی کنند، حال آنکه نمی توان در شئون دیگر زندگی مردم ایران انزوا نسبی به باقی دنیا را دید. حتی فیلم خارجی در ایران کم دیده نمی شود اما کسی برای تماشایش به سینما نمی رود. دلیلش چیست؟ دسترسی آسان به این فیلم ها در بستر اینترنت؟

شاید این یک دلیلش باشد اما مگر در جاهای دیگر دنیا مردم دستشان به اینترنت نمی رسد؟ باید به این نکته توجه کرد که رونق نمایش فیلم خارجی در سینمای ایران، تنها و تنها وابسته به رونق نمایش خود فیلم های ایرانی در ایران است. هر وقت سینمای ایران روی دور فروش بود و پای مردم به سالن ها باز بود، آنگاه می توان در کنار بلیت فیلم خارجی هم فروخت. وقتی رونق سینمای ایران رفته باشد، مردم اصلا به سینما نمی روند که بخوانند رقیب فیلم ایرانی را ببینند. پخش کنندگان هالیوودی هم در دهه ۵۰ اگر بازار ایران را خوب می شناختند و از این فرمول مورد اشاره خبر داشتند، برای حفظ اصل تجارت خودشان در این کشور، هرگز اجازه نمی دادند صنعت سینمای بومی ایران از حدی بیشتر افت کند و هرگز از سهم به خصوصی در گیشه های ایران تجاوز نمی کردند؛ چه اینکه به محض کسادی تجارت فیلم ایرانی در ایران، مردم کلا با سالن سینما قهر می کنند و فیلم های خارجی را هم نمی بینند. اکران فیلم خارجی برای سالن داران کار خیلی پرسودی است اما محدود. هزینه تولید را دیگران داده اند و با قیمت عمده فروشی به همه دنیا عرضه کرده اند اما اگر قرار باشد فقط فیلم خارجی نمایش داده شود، از اصل چرخه اقتصادی چیزی باقی نمی ماند. اگر صاحب یک سوپرمارکت از آنجا که مثلا سود فروش نوار چسب نسبت به همه کالاها بیشتر است، در مغازه اش فقط نوار چسب بیاورد، کلا پای مشتری ها را از آن دکان بریده و دیگر نوار چسب ها هم روی دستش می ماند. سینمای ایران وقتی رونق پیدا کرد، می توان در کنارش از فروش فیلم های خارجی هم به سود خالص و متناسبی رسید که به رونق بیشتر آن کمک می کند، اما تا قبل از رسیدن به چنین رونقی، تلاش برای نمایش فیلم خارجی عملا ناموفق خواهد بود. در ادامه چند بسته آماری آمده که به مقایسه فروش و تعداد مخاطبان فیلم های ایرانی و خارجی در طول چهار دهه پس از انقلاب پرداخته است.



## سال های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۹

کشور آمریکا با ۹۴ میلیون و ۶۰۲ هزار تومان فروش و ۵۲ هزار و ۱۶۰ نفر تماشاگر با متوسط قیمت بلیت ۱۸۰۰ تومان در مدت ۳ سال و پرتماشاگرترین فیلم خارجی «خدا گواه» محصول کشور هندوستان با ۲۳۹ هزار و ۳۷۳ تماشاگر و ۷۲ میلیون ۹۷۴ هزار تومان فروش با متوسط قیمت بلیت ۳۲۲ تومان در مدت ۵ سال بوده است.

۲۹ کشور در این دهه فیلم هایی برای نمایش در سالن سینماهای ایران داشتند. بیشترین تعداد فیلم های خارجی نمایش داده شده متعلق به کشور آمریکا بوده است و پس از آن محصول مشترک اروپا، هندوستان، آلمان و ایتالیا قرار داشتند. پرفروش ترین فیلم خارجی در این دهه «فیلم» کینه محصول

## سال های ۱۳۶۴ تا ۱۳۶۹

ایرانی و ۴۱۵ عنوان فیلم خارجی بودند. با اینکه تعداد فیلم های ایرانی نمایش داده شده در سینما نسبت به فیلم های خارجی اکران شده در مدت مشابه ۱۲۲ عنوان کمتر بودند اما میزان استقبال تماشاگران از فیلم های ایرانی بیش از فیلم های خارجی بود. مجموع تماشاگران فیلم های ایرانی ۳۱۹ میلیون و ۴۱ هزار و ۷۵۷ نفر و میزان فروش کل آن ۳ میلیارد و ۴۰۲ میلیون و ۹۸۵ هزار تومان بوده است اما مجموع تماشاگران فیلم های خارجی ۱۵۰ میلیون و ۹۶۷ هزار و ۵۲ نفر بودند و میزان فروش کل این آثار، حدود یک میلیارد و ۳۱۶ میلیون و ۸۱۰ هزار تومان است. مقایسه این دو آمار نشان می دهد که تماشاگران فیلم های ایرانی تقریبا دو برابر فیلم های

در سال های ابتدای دهه ۶۰ تعداد فیلم های خارجی روی پرده های سینما بیشتر از فیلم های ایرانی بود به طوری که در سال ۱۳۶۴ از برای ۸۵ فیلم ایرانی اکران شده در سینماها، ۲۴۵ فیلم خارجی به روی پرده رفتند. اما به مرور تولید فیلم های ایرانی افزایش پیدا کرد و در سال پایانی این دهه، ۲۱۴ فیلم ایرانی در مقابل ۱۱۶ فیلم خارجی به نمایش درآمدند. در این دوره به دلیل کمبود فیلم های جدید و استقبال تماشاگران، فیلم ها بعضا برای چندین سال به روی پرده های سینما به نمایش درمی آمدند. در مجموع طی ۶ سال از ۱۳۶۴ تا ۱۳۶۹ تعداد ۷۰۸ عنوان فیلم در سینماهای سراسر کشور به نمایش درآمدند که از این تعداد ۲۹۳ عنوان فیلم های

## سال های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰

محلفی فیلم خارجی با مخاطب محدود بود، می بینیم که در سال ۹۴، انیمیشن سینمایی «باب اسفنجی» با حدود ۱۰ هزار نفر مخاطب، پرتماشاگرترین اثر خارجی بود. آمار قابل توجهی برای فروش فیلم خارجی در سال بعد ۱۳۹۴ منتشر نشده است تا اینکه در سال ۱۳۹۷، حدود ۲۰ هزار مخاطب به تماشای فیلم سینمایی «وینچستر» نشستند. در سال ۱۳۹۹ هم فیلم های ترسناک «احضار» یک و دو حدود ۱۷ هزار مخاطب به سینما آورد و جزء پرفروش های آن سال شدند. در سال ۱۴۰۰ هم فیلم «احضار ۳»، با حدود ۳۹ هزار تماشاچی، پرمخاطب ترین و پرفروش ترین اثر سینمای خارجی شد.

در دهه نود و تا قبل از سال ۱۳۹۳ اکران فیلم خارجی بر همان روال سابق بود اما با آمدن گروه هنر و تجربه، جریان اکران فیلم خارجی سر و شکل دیگری گرفت. در گروه هنر و تجربه فیلم های سینمای کلاسیک هم به نمایش درمی آمدند. مثلا در همان سال ۹۳ «همشهری کین» با مخاطبانی کمتر از ۴۰۰ نفر و یک ادیسه فضایی: ۲۰۰۱ با مخاطبانی کمتر از هزار نفر اکران شدند. این در حالی است که در همان سال فیلم های اخراجی با اکران محدود بر پرده سینماها آمدند و قریب به ۲۰ هزار تماشاگرش بودند. این روال در سال های بعد هم تکرار شد و در حالی که گروه هنر و تجربه به دنبال نمایش های

## سال های ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۹

کشورهای ژاپن، روسیه و محصول مشترک اروپا قرار داشتند. پرفروش ترین فیلم خارجی در این دهه فیلم «گایال» محصول کشور هندوستان است با ۲۶۳ میلیون و ۶۷۰ هزار تومان فروش و ۲ میلیون و ۲۰۵ هزار و ۶۵۷ نفر تماشاگر با متوسط قیمت ۳۱ تومان در مدت ۸ سال بوده است.

۳۱ کشور در این دهه فیلم هایی برای نمایش در سالن سینماهای ایران داشتند که در مجموع ۲۶۶ فیلم خارجی در این دهه به نمایش درآمده است. بیشترین تعداد فیلم های خارجی نمایش داده شده متعلق به کشور آمریکا بوده است و پس از آن

